

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

توبه از عشق

(از خاطرات گذشته)

به آسمان خیالم نه عشق بود و امید
که سر کشید از آن آفتاب طلعت تو
به گلشن دل من خار، خار عشق نبود
که جا گرفت دران نو نهال قامت تو
بهشت زندگیم را نبود دوزخ غم
که شعله خاست از آن قد چون قیامت تو
تو جلوه گر شدی از مشرق تمنایم
که سوخت جان من از آتش محبت تو
بصد فریب دلم را «اسیر» خود کردی
ولی چه سود، ندیدم وفا و الفت تو
به خاک تیره نشاندی مرا و بگذشتی
چنین محبت تو بود و این عنایت تو
خدای را که تو رسم وفا نمی دانی
ندیده ام بجز از درد و رنج و محنت تو
زیسکه دیده ام از تو خلاف وعده، کنون
بران سرم که به هر جا کنم حکایت تو
به این طریق دگر توبه ها کنم از عشق
چنین خلاصه کنم شکوه و شکایت تو

«دگر مباد نصیبم که نام عشق برم»

«بس است آنچه کشیدم من از محبت تو»

(کابل - جدی 1344 ش)